



مطالعات جغرافیایی انسانی نواحی ساحلی
سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷ (شماره پیاپی ۲)
صفحات ۱۱۹-۱۰۱



رابطه عدالت فضایی و مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی: کرانه ساحلی جنوب ایران

دکتر مصطفی قادری حاجت^{۱*}
زکيه آفتابی^۲
عباس فردوسی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۵

چکیده:

عدالت فضایی به عنوان یک عرصه مطالعاتی جدید در مطالعات جغرافیای سیاسی به منظور بررسی سطح توسعه و پیشرفت متوازن در مقیاس‌های مختلف از عوامل و عناصری چند تأثیر می‌پذیرد که برخی از آن‌ها ماهیت و کارکرد زیربنایی و برخی دیگر کارکرد و ماهیت مکمل و روبنایی دارند. از جمله عناصر زیربنایی سهم بری از قدرت (تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی) و تأثیر بر سرچشمه‌های آن است که به نوعی تعیین‌کننده سایر زمینه‌های عدالت فضایی است. در جوامع امروزی سهم بری از قدرت در چارچوب فرایندهای دموکراتیک و از مسیر مشارکت سیاسی به معنای واقعی کلمه تجلی می‌یابد. از این رو مطالعه مشارکت سیاسی و جایگاه آن در دست‌یابی به عدالت فضایی از ضروریات سازماندهی و مدیریت سیاسی فضای ملی است. اهمیت کرانه ساحلی جنوبی کشور از نظر مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ضرورت مطالعه و تحلیل رابطه مشارکت سیاسی و عدالت فضایی را دو چندان می‌کند. بدین منظور در مقاله پیش رو با روش توصیفی و تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای سعی بر تحلیل رابطه عدالت فضایی و مشارکت سیاسی در کرانه ساحلی جنوب ایران شده است. نتایج حاکی از این امر است که کرانه ساحلی جنوب کشور از نظر شاخص عدالت فضایی دارای یک توزیع نامتوازن و نامتقارن است، به گونه‌ای که استان بوشهر بالاتر از میانگین ملی و استان خوزستان با اندکی اغماض همتراز میانگین ملی قرار دارد، استانهای سیستان و بلوچستان و هرمزگان هم پایین‌تر از میانگین ملی قرار دارند.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، عدالت فضایی، بی‌عدالتی فضایی، کرانه ساحلی جنوب ایران

* m.ghaderihajat@modares.ac.ir

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

۳. هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

فضای جغرافیایی، فضایی با اجزاء و ابعاد متعدد و مختلف به همراه شبکه‌ای فوق پیچیده از روابط میان این اجزا است (Mazur & Urbanek, 2014:139). فضای جغرافیایی محصول عملکرد عوامل بسیاری است، که در این بین نهاد سیاست و کارکرد نهادهای رسمی و شاخص آن یعنی حکومت و به تبع آن دولت تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شکل‌گیری آن از منظر عدالت فضایی دارد، به همین دلیل است که درک حوزه معنایی عدالت فضایی، مشروط بر درک رابطه متقابل سیاست و فضا است. عدالت فضایی^۱ یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) با شاخص‌های متناظر توسعه در سطح ملی (حافظ نیا، قادری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). عدالت فضایی، نقطه تلاقی فضا و عدالت اجتماعی است که به جنبه‌های فضایی و جغرافیایی عدالت نظر دارد و در واقع، عبارت است از توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های با ارزش در فضای جامعه (ایمانی، ۱۳۹۴: ۱). در مقابل بی‌عدالتی فضایی^۲ را می‌توان توزیع نامتوازن فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا دانست. که در ابعاد مختلفی قابلیت تبیین را دارد.

مشارکت سیاسی^۳ در اصطلاح، به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاست دولت است؛ پس به معنای کوشش سازمان یافته مردم درباره حکومت و سیاست است (آهنگریان، ۱۳۹۴: ۱). مهم‌ترین مکانیزم‌ها و شاخصه‌های مشارکت سیاسی عبارتند از:

- ✓ انتخابات: انتخابات یک فرایند رسمی جهت برگزیدن یک شخص، پذیرش و تأیید و یا رد کردن یک موضوع از طریق رأی‌گیری است (Gibbins & Others, 2015: 1).
 - ✓ سهم قدرت در کابینه دولت: منظور تعداد وزاری است که از هر استان انتخاب می‌شوند.
 - ✓ تعداد نماینده در مجلس شورای اسلامی: یکی دیگر از مواردی است که میزان مشارکت سیاسی هر استان و سهم آن از قدرت در کشور را نشان می‌دهد.
- متأثر از عوامل مختلف، شاخص برخورداری از عدالت فضایی در کشور یکسان نبوده و توزیع آن ناشی از ارتباط متقابل سه گانه قدرت، فرصت و ثروت در یک رابطه پویاست. به دلیل نقش مشارکت سیاسی شهروندان هر منطقه در شکل‌دهی و اداره فضا، یکی از عناصر کلیدی رابطه دینامیک یاد شده است، لذا بررسی و مطالعه آن از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

1. Spatial justice
2. Spatial injustice
3. Political participation

با توجه به اهمیت مناطق ساحلی جنوب کشور، مقاله حاضر در پی بررسی تحلیل رابطه عدالت قضایی و مشارکت سیاسی در این منطقه است. برقراری عدالت قضایی در استان‌های سواحل جنوبی کشور که عبارتند از استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان، و افزایش سطح رضایت شهروندان و مشارکت سیاسی آنان برای ایران هم به لحاظ ژئوپلیتیکی و هم به لحاظ ژئواستراتژیکی از اهمیت بالایی برخوردار است. این مقاله، در پی تحلیل رابطه مشارکت سیاسی و عدالت قضایی در کرانه ساحلی جنوب کشور می‌باشد و سعی بر آن است در قالب یک رویکرد تحلیلی ارتباط عدالت قضایی و مشارکت سیاسی، به عنوان مصداقی از روابط شهروندان با نهاد قدرت و حکومت، در استان‌های ساحلی جنوب کشور مورد توجه قرار گیرد.

روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای سعی در تحلیل مکانیسم مشارکت سیاسی و عدالت قضایی در کرانه ساحلی جنوبی کشور را دارد. جامعه مورد مطالعه تحقیق، چهار استان خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان به عنوان استان‌های ساحلی جنوب ایران می‌باشد.

۱- مباحث نظری

۱-۳- عدالت قضایی / بی‌عدالتی قضایی

فضا یک بعد اساسی و بنیادی جامعه انسانی است. درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت قضایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بازتاب عدالت قضایی در سیاست‌ها و نظام برنامه‌ریزی به افزایش ضریب تأثیر آن کمک خواهد کرد. تفکر درباره فضا در سال‌های اخیر به‌طور معنی داری، از تأکید بر نقشه کشی یکنواخت به سمت یک نیروی فعال و بنیادی در شکل‌دهی به زندگی شهروندان تغییر جهت داده است. عدالت قضایی بر جنبه‌های جغرافیایی یا قضایی (بی‌عدالتی تأکید دارد. عدالت و بی‌عدالتی همچنین به‌عنوان نقطه‌ی شروع، شامل توزیع منصفانه و مساوی منابع و فرصت‌ها در فضای جغرافیایی است. رویکرد عدالت قضایی، به تعیین عادلانه یا ناعادلانه بودن رویداد خاصی کمک نمی‌کند. بلکه به بررسی فرایندهای پویایی از شکل‌های اجتماعی، قضایی، اقتصادی و سیاسی بدین منظور که آیا عملکرد آنها برای تولید و بازتولید بی‌عدالتی است یا عدالت، می‌پردازد. در واقع تمرکز اصلی رویکرد عدالت قضایی بر شناسایی و تبیین عوامل و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، که این بی‌عدالتی‌ها به منزله فرم‌هایی آن محسوب می‌شوند، قرار دارد. جذابیت‌های موجود برای ایجاد یک جامعه عادل به‌طور نیرومندی، محل تجمع مجدد طیف

گسترده‌ای از جنبش‌های عدالت اجتماعی چون، عدالت اقتصادی، عدالت نژادی، عدالت محیطی، عدالت جهانی و... شده که با یکدیگر عدالت را هم در بعد مادی (سیاست‌های باز توزیعی) و هم در بعد غیر مادی (آزادی، خرسندی، رضایت، فرصت، امنیت و...) طرح می‌کنند. درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی (جغرافیایی)، مشروط بر درک رابطه متقابل سیاست و فضا و مکانیسم پویای آنهاست. این مکانیسم متقابل زمینه‌ساز مطرح شدن و فلسفه طرح عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی است، در جغرافیای سیاسی مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خارج شده و به سطح عینیت می‌رسد، و به عبارتی دیگر مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود.

عدالت فضایی، به جنبه‌های جغرافیایی عدالت اجتماعی می‌پردازد و از دهه ۱۹۶۰ که مفهوم عدالت اجتماعی وارد ادبیات جغرافیایی شد، اصطلاح عدالت فضایی نیز به وجود آمد. ورود مفهوم عدالت اجتماعی به جغرافیا بیش از همه دو مکتب رادیکال و لیبرال را متأثر کرده است. با ورود این مفهوم، جغرافی‌دانان به حوزه‌های مطالعاتی مختلفی از قبیل فقر، تبعیض، نابرابری، نژاد پرستی، قوم گرایی، امید به زندگی، حقوق زنان، اسکان غیر رسمی، زاغه نشینی، جرم و جنایت، سهم از درآمد و... گرایش پیدا کرده‌اند (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). در مکتب رادیکال، دیوید هاروی اولین جغرافیدانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت و گفت که منابع اضافی باید در جهت از میان برداشتن مشکلات ویژه ناشی از محیط‌های اجتماعی و طبیعی مصرف گردد (هاروی، ۱۹۹۹: ۱۰۹). یکی دیگر از مکاتب جغرافیایی که به بحث عدالت اجتماعی پرداخته است مکتب لیبرال است. در مکتب جغرافیایی لیبرال در سال ۱۹۷۸ کتاب (جغرافیای انسانی: رهیافت رفاه) اثر دیوید اسمیت منتشر گردید که در آن شاخص‌های رفاه و تحلیل عدالت اجتماعی بررسی شده بود. اسمیت در سال ۱۹۹۴ در کتاب جغرافیا و عدالت اجتماعی، می‌گوید: جغرافیا باید در نظریه و عمل با عدالت اجتماعی پیوند بخورد. جغرافیا بدون عدالت اجتماعی فاقد آن قدرت و توانی خواهد بود که بتواند در مطلوبیت بخشی به زندگی انسانی توفیق یابد. حتی دموکراسی واقعی نیز زمانی امکان پذیر است که با عدالت اجتماعی همراه باشد (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۴۲-۱۴۱).

منظور از بی‌عدالتی فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا در مقیاس‌های مختلف است. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیاید. عدم استفاده بهینه از فضا زمینه‌ساز تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم می‌کند، فرآیند مزبور باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه می‌شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به‌ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد، زمینه‌ساز

مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیر ممکن می‌سازد. به طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه‌رو می‌سازد. بی‌عدالتی و توزیع نابرابر دستاوردهای اجتماعی موجب تعمیق شکاف طبقاتی، تضعیف عزم ملی و تنزل روحیه تلاش و فعالیت می‌شود و بر آسیب‌های روانشناختی اعضای جامعه می‌افزاید (ایمانی، ۱۳۹۴: ۵۴).

۱-۲- مشارکت سیاسی

در رابطه با مفهوم مشارکت سیاسی نیز، رویکردها و نظریات متعددی وجود دارد. برخی از این نظریات، مشارکت سیاسی را بر مبنای عوامل روانشناختی و فردی تحلیل می‌کنند (Krampen, 2011: 2). برخی دیگر، عوامل ساختاری و سیاسی را در مشارکت سیاسی مهم می‌دانند. برخی نظریه پردازان نیز، مشارکت سیاسی را بر مبنای عوامل اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌کنند. گروه اخیر، معتقدند که شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر زندگی و جامعه افراد بر انگیزه مشارکت سیاسی آنان به شدت تأثیرگذار است. فضایی که در آن عدالت اجتماعی و اقتصادی برقرار است، پویایی و مشارکت سیاسی بالاتری نیز دارد (لک زایی، ۱۳۸۸: ۳).

در حالی که در نظریه نخبه گرایی، عمدتاً مشارکت سیاسی به نخبگان محدود بوده و از توده‌ها تصویری غیر فعال، ابزار دست نخبگان ارائه کرده است. در نظریه کثرت گرایی، مشارکت سیاسی به جهت تأثیرگذاری در تعیین سیاست‌ها و توزیع قدرت به مثابه کلید رفتار سیاسی به شمار می‌رود. همچنین، در رویکرد مارکسیستی، مشارکت سیاسی به معنای آگاهی طبقات نسبت به وضعیت خود می‌باشد که سرانجام سیاسی شدن طبقات را به دنبال خواهد آورد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). مفهوم مشارکت از ابتدا با امر سیاسی پیوند خورده است. این سیاست است که در درجه اول نوع و میزان مشارکت شهروندان را تعیین می‌کند. هر چه نظام سیاسی یک کشور بازتر و دموکراتیک‌تر باشد، امکان مشارکت سیاسی شهروندان بیشتر فراهم است (Zukin, 2006: 40).

۱-۳- رابطه عدالت قضایی و مشارکت سیاسی

میلبراث^۱ و گوئل^۲ (۱۹۷۷)، سالیسبوری^۳ (۱۹۷۵)، منوال^۱، لایلی^۲ و ناگلر^۳ (۱۹۹۲) از جمله نظریه‌پردازانی هستند که عدالت قضایی در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر اشتغال و

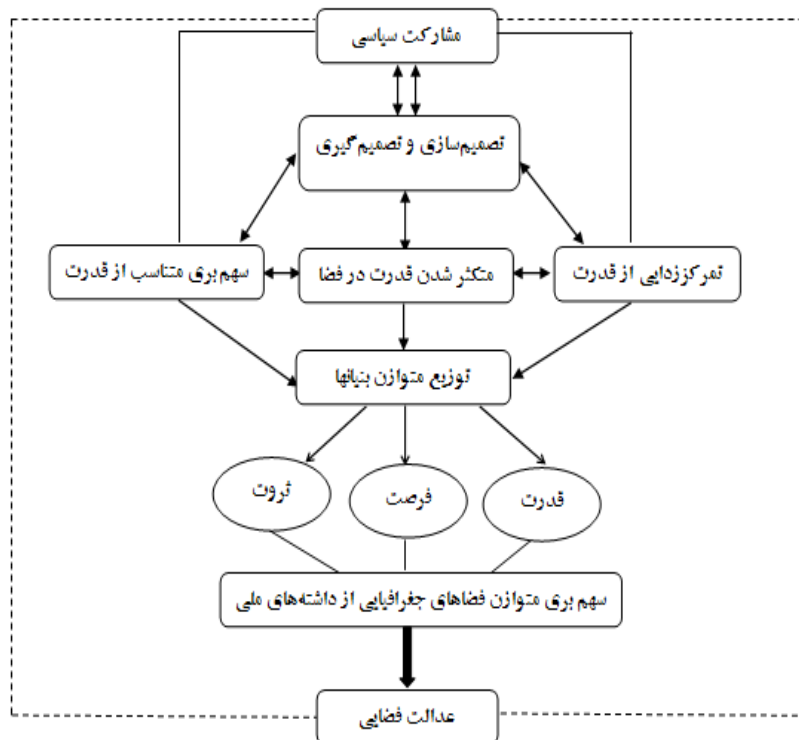
1. Milbruth
2. Guelle
3. Salisbury

بیکاری، فقر و رفاه، توسعه اقتصادی، میزان شهری شدن، نابرابری اجتماعی، تجانس اجتماعی، تحرک جمعیتی، نوع مذهب، رقابت سیاسی، ارتباطات و ... را متأثر و موثر بر مشارکت سیاسی فضاهای جغرافیایی مختلف می دانند (معمار، ۱۳۹۱: ۵).

باوجود این مشارکت سیاسی شهروندان تحت تأثیر عوامل دیگری نظیر میزان عدالت فضایی نیز قرار دارد (جاودانی و پروین، ۱۳۹۱: ۱۲۲). در مناطقی که نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... و به عبارتی بی‌عدالتی فضایی وجود دارد، رضایت خاطر شهروندان کاهش می‌یابد (ابراهیم پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). شهروندانی که احساس بی‌عدالتی فضایی دارند انگیزه و رغبت خود برای مشارکت سیاسی را از دست می‌دهند (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۵). این پدیده در سراسر جهان با شدت و ضعف مختلف وجود دارد. دو دهه بعد از استقرار حکومت‌های دموکراتیک در قاره اروپا، بررسی‌ها نشان داده که میزان مشارکت سیاسی شهروندان در کشورهای اروپای شرقی به مراتب کمتر از مشارکت سیاسی شهروندان در کشورهای اروپای غربی است. پژوهشگران در پی بررسی‌های خود علت این امر را پایین بودن توسعه اقتصادی، پایین بودن نرخ انواع دسترسی‌ها، بی‌عدالتی فضایی و بالا بودن میزان فساد در کشورهای اروپای شرقی نسبت به کشورهای اروپای غربی بیان کرده‌اند (Hooge & Quintelier, 2013: 1). بنابراین، عدالت فضایی پدیده‌ای بسیار مهم است که با مشارکت سیاسی رابطه مستقیم دارد. با افزایش عدالت فضایی میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و برعکس (Hafeznia & Ghaderi hajat, 2016: 15). به این ترتیب، در زمان نزول انگیزه شهروندان در مشارکت سیاسی، دولت‌ها و مدیران سیاسی کشور می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های محرومیت زدایی و بالا بردن عدالت فضایی انگیزه شهروندان جهت مشارکت سیاسی کشور را بالا برده و به دنبال آن از مخاطرات و تهدیداتی نظیر واگرایی، تروریسم و ... کاسته و امنیت ملی کشور را ارتقا بخشند (Norris, 2015: 101).

در واقع مشارکت سیاسی با ترسیم طرح و راهبردهای دستیابی به قدرت به‌عنوان یک مؤلفه اساسی در تولید و باز تولید فضای جغرافیایی در زمینه مباحث مربوط به عدالت فضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که افزایش سهم شهروندان از قدرت تسهیل‌کننده دستیابی به فرصت و ثروت بیشتر است. از این رو با یک رویکرد کثرت‌گرایانه می‌توان مدعی بود که توزیع متناسب به لحاظ ساختار و کارکردی عناصر قدرت‌آفرین مانند تعداد نمایندگان پارلمان، انتخاب اعضای کابینه و ... از مهم‌ترین زمینه‌های ارتقاء جایگاه مشارکت سیاسی در دستیابی به عدالت فضایی محسوب می‌شود، که در قالب مدل زیر به نمایش در آمده است:

1. manal
2. Lily
3. Naugler



مدل شماره ۱- مکانیسم و جایگاه مشارکت سیاسی در عدالت فضایی

ترسیم: از نگارندگان

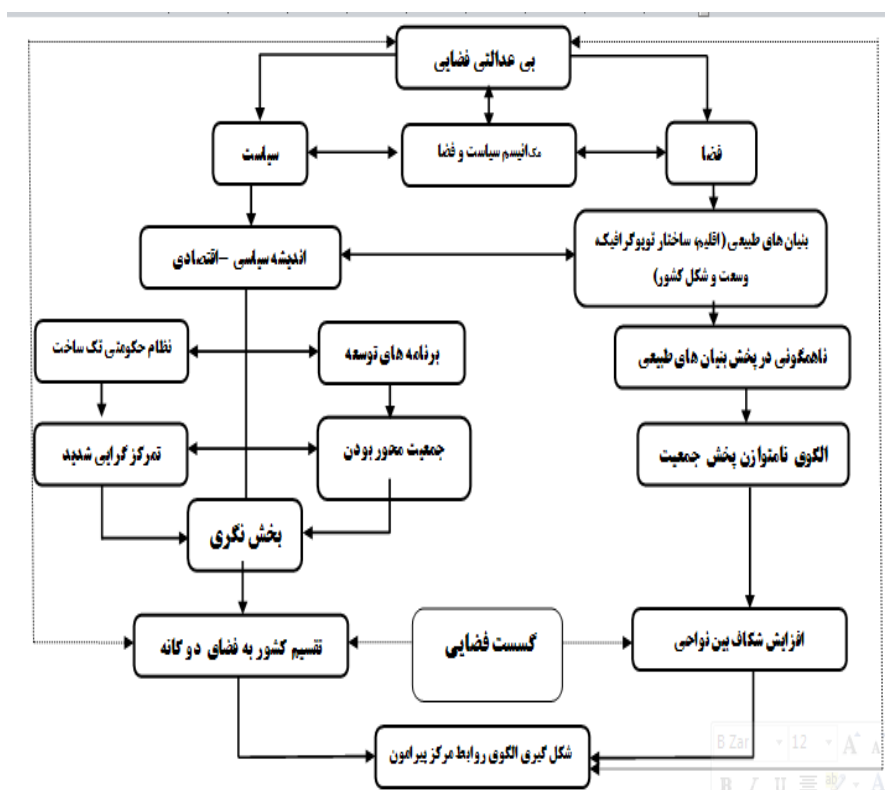
۴-۱- زمینه‌های شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی در ایران

بی‌عدالتی فضایی از دو زمینه اصلی نشأت می‌گیرد:

۱. شرایط طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر مکان جغرافیایی (خصوصیات ذاتی مناطق)
۲. تصمیمات سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی.

هر چند نابرابری‌های فضایی در درجه نخست به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام سیاسی، نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و چگونگی سرمایه‌گذاریها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز درست بهره‌گیری نشود. هرگونه برنامه‌ریزی در بهره‌گیری بهینه از منابع محلی و رسیدن به توسعه پایدار ملی باید با کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای همراه باشد. در ایران نیز عملکرد برنامه‌های پیش از انقلاب که مبتنی بر سیاست‌های قطب رشد و توسعه مناطق با قابلیت توسعه بود، به نابرابری‌های فضایی انجامید، برخی نقاط از انواع زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی

برخوردار شدند و مناطق پهناوری از کشور از امکانات اولیه محروم ماندند. از این رو، نیروی انسانی متخصص و کارآمد، سرمایه و تکنولوژی به سوی مناطق مستعد حرکت کرده و مانع از توسعه متوازن در استان‌های کشور شد. در سایه پیامدهای استراتژی‌های پیشین در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و نبود برنامه‌های کلان ملی در راستای تمرکززدایی، حتی سیاستهای محرومیت‌زدایی پس از انقلاب اسلامی نیز نتوانسته است کشور را به سوی تعادل فضایی پیش ببرد. بی‌عدالتی فضایی حاکم بر ایران از دو دسته عوامل کلی که خود شاخصهای دیگری را نیز در بر می‌گیرند ناشی می‌شود، این دو دسته از عوامل عبارتند از متغیرهای طبیعی و عناصر انسان ساخت، می‌توان ادعا کرد که بی‌عدالتی فضایی در ایران ریشه در بنیان‌های طبیعی و اندیشه سیاسی- اقتصادی حاکم بر کشور از زمان شکل‌گیری دولت مدرن دارد، و این امر را در مدل زیر می‌توان به نمایش گذاشت:



مدل شماره ۲- بی‌عدالتی فضایی در ایران

ترسیم: از نگارندگان

بسیاری از بحران‌ها در سطوح ملی و محلی بی‌توجهی به مقوله عدالت فضایی / جغرافیایی در کشورهای مختلف به‌ویژه در جهان سوم است، تمرکز شدید و عدم تعادل فضایی از جمله ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلول نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. در نتیجه این سیاست، تعداد محدودی از مناطق نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه ای عمل می‌نمایند.

۲- یافته‌ها

۲-۱- محیط شناسی

۲-۱-۱- ویژگی‌های جغرافیای انسانی و طبیعی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، عبارت است از استان‌های جنوبی کشور در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان که عبارتند از: استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان که از جنوب غربی تا جنوب شرقی کشور، که تمام خط ساحلی کرانه جنوبی کشور را پوشش می‌دهند. این پهنه عظیم در بر گیرنده ۳۴۷۸۶۷ کیلومتر مساحت در حدود ۲۱ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. منطقه مورد مطالعه با ۱۰۴۲۳۳۸ نفر در حدود ۱۲ درصد از جمعیت کشور را در خود جایی داده است. متوسط تراکم جمعیت در این محدوده ۴۱.۲۵ در کیلومتر مربع است، میانگین نرخ رشد جمعیت محدوده مطالعه ۱.۸۵ درصد می‌باشد. منطقه متشکل از ۴ استان، ۶۹ شهرستان، ۱۵۷ بخش، ۳۴۱ دهستان و ۱۶۷۹۹ روستا می‌باشد. طول ساحل منطقه مورد مطالعه با پوشش دادن کرانه ساحل خلیج فارس و دریای عمان از دهانه فاو تا گواتر ۲۵۸۹ کیلومتر مربع طول دارد. جزئیات بیشتر مرتبط با واقعیت‌های جغرافیایی منطقه در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱- جغرافیای انسانی و طبیعی منطقه مورد مطالعه

استان	مساحت	جمعیت	نرخ رشد	تراکم	شهرنشینی	روستا نشینی	شهرستان	بخش	روستا تا	طول خطوط ساحلی
خوزستان	۶۴۲۳۶	۴۷۱۰۵۰۹	۰.۷۸	۷۷۴	۷۵.۵	۲۴.۵	۲۷	۵۲	۳۸۸۰	۸۳۱ کیلومتر
بوشهر	۲۷۶۵۳	۱۱۶۳۴۰۰	۲.۴۱	۵۱	۷۱.۹	۲۸.۱	۱۰	۲۴	۹۱۰	۷۰۷ کیلومتر
هرمزگان	۱۸۷۵۰۲	۱۷۷۶۴۱۵	۱.۸۳	۲۵	۵۴.۷	۴۵.۳	۱۳	۳۳	۲۱۷۰	۷۵۱ کیلومتر
سیستان و بلوچستان	۳۴۷۸۶۷	۲۷۷۵۰۱۴	۱.۸۵	۱۵	۴۸.۵	۵۱.۵	۱۹	۴۸	۹۸۳۹	۳۰۰ کیلومتر



۲-۱-۲- بافت قومی-مذهبی

استان های جنوبی کشور به لحاظ بافت قومی و مذهبی، از تنوع گسترده ای برخوردارند که در ادامه به معرفی آن ها پرداخته می شود:

الف) سیستان و بلوچستان

مردم استان سیستان و بلوچستان، از قومیت های سیستانی و بلوچ می باشند که سیستانیان به زبان فارسی و گویش سیستانی صحبت می کنند و پیرو دین اسلام و مذهب شیعه هستند و بلوچ ها به زبان بلوچی صحبت کرده و پیرو اسلام و عموماً مذهب تسنن می باشند (حشمتی جدید و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶).

ب) استان هرمزگان

در استان هرمزگان، اقوامی چون فارس ها، بلوچ ها، عرب ها، سیاهان و تیره های آمیخته در کنار هم زندگی می کنند. تنوع فرهنگی استان، از شرق با فرهنگ و سنن بلوچ ها شروع می شود و در مرکز با فرهنگ بومی درآمیخته و در غرب استان با فرهنگ و سنن بومی بندری خاتمه می یابد.

همچنین، بیشتر اهالی استان را پیروان اسلام تشکیل می‌دهند که از این میان حدود ۶۰٪ شیعه و ۴۰٪ سنی هستند (امام جمعه‌زاده و مهدیان، ۱۳۹۳: ۱۰).

ج) بوشهر

پراکندگی اقوام در استان بوشهر عبارت است از: ۹۱/۸ درصد فارس، ۱ درصد ترک، ۴/۱ درصد عرب، ۲/۱ درصد لر و ۱ درصد سایر اقوام. همچنین بیشتر اهالی استان را پیروان اسلام تشکیل می‌دهند که اکثریت شیعه هستند و اهل سنت نیز بیشتر در شهرستان کنگان و عسلویه در جنوب شرق استان زندگی می‌کنند (امام جمعه‌زاده و مهدیان، ۱۳۹۳: ۱۱).

د) خوزستان

استان خوزستان نیز، اقوام متعددی را در بر دارد که شامل ۳۱/۹٪ فارس های بومی خوزستان، ۳۳/۶٪ عرب ها، ۳۰/۲٪ لرها، ۲/۵٪ ترک ها ۱ درصد کردها و ۰/۷٪ سایر اقوام می‌گردد. اکثریت مردم استان دین اسلام و مذهب شیعه دارند اما اقلیت‌های اهل تسنن، زرتشتی، کلدانی و مسیحی نیز در استان وجود دارد (بیژنی و عزتی، ۱۳۸۷: ۵).

۲-۱-۳- منابع نفت و گاز جنوب

جنوب کشور در مجموع ۱۹ میدان نفتی و ۱۲ میدان گازی دارد. جدول زیر، ظرفیت تولید نفت و گاز این میدان‌ها را به تفکیک چهار استان مورد مطالعه بیان می‌کند.

جدول شماره ۲- منابع نفت و گاز منطقه مورد مطالعه

استان	نام میدان نفتی	ظرفیت تولید روزانه نفت (بشکه)	نام میدان گازی	ظرفیت تولید میعانات گازی (بشکه)
خوزستان	هندیجان	۳۰۰۰۰	آرش	۶۵۵۰۰۰۰۰
	آغاچاری	۳۰۰۰۰۰		
	مجموع حداکثر تولید روزانه	۳۳۰۰۰۰	مجموع حداکثر ظرفیت تولید	۶۵۵۰۰۰۰۰
بوشهر	نوروز	۱۹۵۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰	پارس جنوبی	۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰
	اسفندیار	۸۰۰۰	پارس شمالی	۴۰۰۰۰۰۰
	دورود	۵۲۰۰۰	خیام	۸۴۰۰۰۰۰۰۰
	فروزان	۴۰۰۰۰	فردوسی	۸۰۰۰۰۰۰۰
	بینالود	۲۸۰۰۰	گلشن	۴۲۰۰۰۰۰۰۰۰
	بهرگان سر	۶۰۰۰۰		
	مجموع حداکثر تولید روزانه	۴۰۸۰۰۰	مجموع حداکثر ظرفیت	۶۱۰۵۸۲۰۰۰۰۰۰

تولید				
۱۱۴۹۰	سرخون	۴۰۰۰	بلال	هرمزگان
۵۱۴۰۰۰۰۰	کیش	۸۰۰۰	رسالت	
۴۰۰۰۰۰۰۰	گشوی جنوبی	۶۰۰۰	رشادت	
۵۹۰ بشکه در روز	گوزین	۱۰۰۰۰	سلمان	
۶۵۸۰۰۰۰۰	مدار	۶۰۰۰	مبارک	
۰	هنگام	۲۰۰۰	الوند	
		۹۸۰۰۰	سیوند	
		۳۸۰۰۰	دنا	
		۶۰۰۰	اسفند	
		۴۰۰۰	فرزام	
		۳۲۶۹	نصرت	
۵۱۷۲۰۱۲۰۸۰	مجموع حداکثر ظرفیت تولید	۳۸۳۲۶۹	مجموع حداکثر تولید روزانه	
—	—	—	—	سیستان و بلوچستان

۲-۱-۴- شاخص‌های اقتصادی

جدول شماره ۳- شاخصهای اقتصادی منطقه مورد مطالعه

استان	نسبت اشتغال	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی	درآمد خانوار (هزار ریال)	قدرت پس انداز خانوار (درصد)	سهم استان از تولید ناخالص داخلی کشور با احتساب نفت (درصد)
کل کشور	۳۷.۵	۱۲.۳	۴۲.۷	۴۹۴۰۷۶	۱۰.۵۹۵	۱۰۰
بوشهر	۳۶.۵	۱۲.۱	۴۱.۶	۴۹۲۳۵۳	۱۴.۵۵۵	۲.۵۵۴
خوزستان	۳۶.۸	۱۳.۹	۴۲.۸	۵۳۱۱۰۰	۱۳.۸۱۱	۱۲.۲۳۷
سیستان و بلوچستان	۳۱.۲	۱۲.۷	۳۵.۷	۳۲۱۴۷۲	۱۳.۳۷۵	۱.۰۶۴
هرمزگان	۳۸.۶	۱۰	۴۳	۴۵۹۷۲۹	۱۴.۷۷۲	۱.۷۲۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۶ و مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶: ۱۳.

۲-۱-۵- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی کشور است که از طرق مختلفی نظیر انتخابات حضور در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و ... محقق می‌گردد. در ادامه به بررسی وضعیت شاخص‌های مشارکت سیاسی در چهار استان جنوبی کشور پرداخته می‌شود.

الف) نرخ مشارکت در انتخابات

جدول شماره ۴- نرخ مشارکت در منطقه مورد مطالعه

استان	انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ (درصد)	انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۴ (درصد)
خوزستان	۶۴	۷۰
بوشهر	۷۰	۷۶
هرمزگان	۷۲	۶۷
سیستان و بلوچستان	۷۱	۶۶.۱۴

منبع: وزارت کشور، ۱۳۹۶

ب) تعداد وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی

جدول شماره ۵- سهم منطقه مورد مطالعه در ساختار قدرت

استان	تعداد وزرا در کابینه دولت دوازدهم	تعداد نماینده در مجلس شورای اسلامی
خوزستان	۱	۱۸
بوشهر	۰	۴
هرمزگان	۰	۵
سیستان و بلوچستان	۰	۸

منبع: وزارت کشور، ۱۳۹۶س

۲-۱-۶- وضعیت عدالت فضایی در ایران و جایگاه استانهای منتخب^۱

در ادامه و در قالب جداول زیر وضعیت عدالت فضایی در ایران و استانهای منتخب به منظور درک روشن تر موضوع ارائه می‌گردد.

در ادامه و در قالب جداول زیر وضعیت عدالت فضایی در ایران و استانهای منتخب به منظور درک روشن تر موضوع ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۶- وضعیت استان‌های منتخب در عملهای هشت‌گانه عدالت فضایی

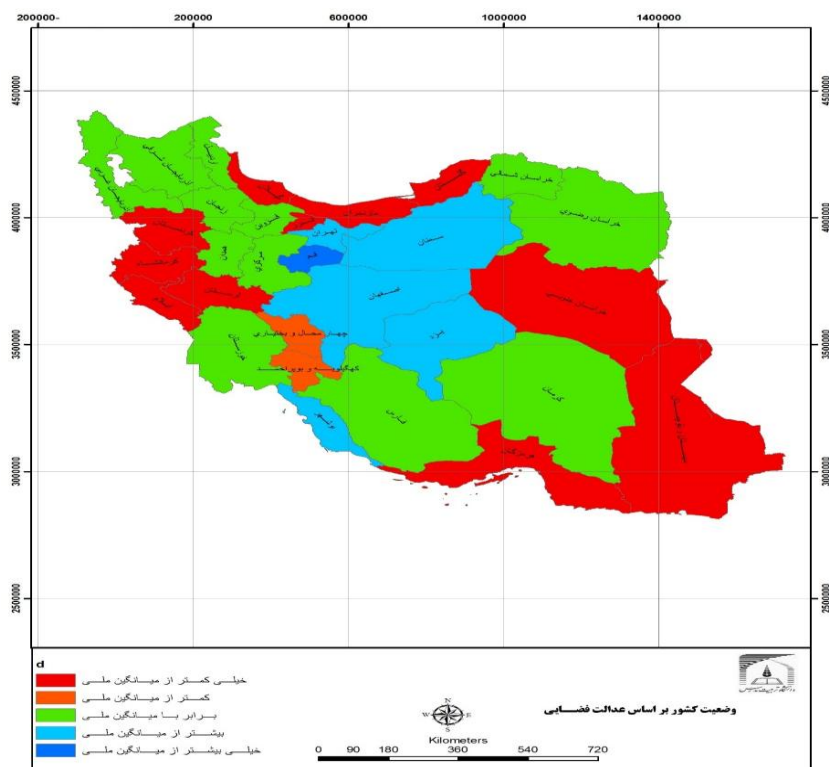
استان‌ها	آموزشی	اجتماعی	اقتصادی	امنیتی	بهداشتی	سیاسی	کالبدی	فرهنگی	فضایی
خوزستان	۰.۱۸۶۵۳۸۵۹	۰.۳۳۷۹۸۸۴۵	۰.۴۷۰۵۳۷۷۴	۰.۸۷۸۱۴۴۹۶	۰.۱۲۸۱۶۸۴۶۷	۰.۱۳۷۱۶۱۳۳	۰.۸۷۵۲۱۱۴۸	۰.۱۹۳۳۴۸۰۹۶	۰.۳۲۳۳۷۲۱۷
بوشهر	۰.۳۲۲۲۴۳۰۸۴	۰.۳۴۷۳۵۷۲۸۴	۰.۶۲۱۲۱۹۸۳۲	۰.۸۹۱۰۴۷۹۱۵	۰.۱۰۶۹۵۳۹۵۴	۰.۳۱۴۸۳۳۳۳۳	۰.۱۰۱۱۳۶۵۰۶	۰.۱۷۸۴۱۸۶۰۸	۰.۲۸۲۲۲۳۳۹۲
هرمزگان	۰.۱۷۶۴۵۱۴۹	۰.۳۲۹۱۷۲۵۴۹	۰.۵۱۶۱۵۹۳۳۳	۰.۷۶۸۷۴۰۵۵۸	۰.۰۷۶۵۵۳۷۱	۰.۰۶۸۲۹۰۶۶۷	۰.۱۲۳۴۴۹۲۰۹	۰.۱۷۱۲۷۹۵۳۸	۰.۳۲۳۳۷۲۱۷
سیستان و بلوچستان	۰.۱۹۸۴۰۱۲۴	۰.۳۱۹۹۲۷۳۳۱	۰.۳۸۳۴۷۳۶۲۱	۰.۷۶۷۸۶۹۲۸۹	۰.۱۱۲۳۳۴۴۸۳	۰.۰۲۷۷۵۷۳۳۳	۰.۰۶۲۶۶۶۷۷۴	۰.۱۶۰۸۸۹۱۷۸	۰.۲۸۹۱۴۵۴۷
یانگین استان‌های منتخب	۰.۰۲۲۰۹۶	۰.۳۳۳۶۱۴	۰.۴۹۷۵۹۴	۰.۸۲۹۳۶۸	۰.۱۰۶۱۵۴	۰.۱۳۷۰۱۱	۰.۰۹۲۶۸۸	۰.۱۷۰۹۷۱	۰.۳۲۹۰۲۸

۱. برای درک روشن تر وضعیت عدالت فضایی در ایران مراجعه شود به:

رساله دکتری مصطفی قادری حاجت دفاع شده در سال ۱۳۹۳ به راهنمای دکتر محمدرضا حافظ نیا در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی در کشورها، مطالعه موردی: ایران».

۰.۳۴۶۹۳۰۳	۰.۱۸۳۸۳	۰.۸۴۴۶۹	۰.۱۴۳۶۶	۰.۰۹۸۴۴۴	۰.۸۵۹۵۷۱	۰.۵۳۱۳۷۵	۰.۳۵۳۲۰۱	۰.۰۲۷۹۵۸۲	میانگین ملی
-۰.۰۱۷۹۰۲	-۰.۰۱۲۷۶	+۰.۰۰۰۹۲۱۹	-۰.۰۰۰۶۶۵	+۰.۰۰۰۷۵۱	-۰.۰۰۳۰۲	-۰.۰۳۳۷۸	-۰.۰۰۱۹۵۹	-۰.۰۰۰۵۸۶	لوت با میانگین ملی

مأخذ: قادری حاجت، ۱۳۹۳: ۲۲۱-۱۹۲



نقشه شماره ۲- وضعیت ایران بر اساس شاخص عدالت فضای

آنچه از جدول شماره شش بر می‌آید این نکته است که از نظر شاخص سیاسی مؤثر بر عدالت فضایی که به نوعی اشاره به مشارکت سیاسی مؤثر دارد، استان‌های کرانه جنوبی کشور با میانگین ملی تفاوت دارند. به گونه‌ای که در استان‌های منتخب فقط استان بوشهر در شاخص یاد شده از میانگین ملی بیشتر می‌باشد و سایر استان‌ها از میانگین ملی پایین‌ترند. نقشه شماره دو در واقع ترجمان وضعیت عدالت فضایی در کشور، ناشی و متأثر از عناصر مختلف است. واقعیت این است که فقط استان بوشهر به دلایل ویژه، از وضعیت بهتری در شاخص عدالت فضایی نسبت به سایر استانهای منتخب برخوردار است. استان خوزستان نیز در محدوده میانگین ملی قرار دارد و استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان از لحاظ شاخص عدالت فضایی از میانگین ملی پایین‌تر می‌باشند. باتوجه به یافته‌های مقاله و نقشه فوق، استان‌های تهران، سمنان، اصفهان، یزد و قم از وضعیت بهتری در شاخص عدالت فضایی در مقایسه با استان‌های جنوبی هستند، که این امر نشان دهنده تأثیر مثبت حضور مستمر نمایندگان، کارگزاران و سیاست‌گذاران برخوردار از استان‌های یاد شده در طی بیست سال گذشته در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور است که سهم بزرگی استانهای یاد شده از مولفه‌های ارزش آفرین (قدرت، ثروت و فرصت) از منظر عدالت فضایی را متمایزتر از بقیه استان‌های کشور به‌ویژه در مقایسه با کرانه ساحلی جنوب کشور کرده است.

تجزیه و تحلیل

از آنجایی که بی‌عدالتی فضایی را می‌توان انباشت نابرابری‌ها در مؤلفه‌های ارزشمند قدرت، ثروت و فرصت در فضاها و مقیاس‌های مختلف دانست، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که یکی از دلایل بی‌عدالتی فضایی حاکم بر نواحی ساحلی جنوب کشور نابرابری در دستیابی به مولفه قدرت تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در فضا می‌باشد. با توجه به اینکه وزن و تأثیر قدرت سیاسی ناشی از مشارکت همه جانبه سیاسی در توزیع متوازن دارایی‌های با ارزش جامعه است، کم‌رنگ بودن آن در شکل‌گیری شرایط حاکم بر نواحی ساحلی جنوب را می‌توان پیامد منطقی و قابل‌تصور دانست.

اگر نابرابری فضایی میان نواحی یک کشور شکل بگیرد و به‌عنوان الگوی غالب روابط نهادینه شود، احساس طرد شدگی و محرومیت را در شهروندان مناطق مختلف یک کشور افزایش داده و زمینه مساعد بروز نیروهای واگرا را به وجود می‌آورد. بر این اساس، اعمال سیاست‌های عدالت‌گریز در مقیاس‌های متفاوت از سطح محلی تا کروی باعث شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی می‌شود و وجه عمده آن را می‌توان در عدم دسترسی بهینه و برابر تمام سکنه و شهروندان به فرصت‌های برابر در عرصه‌های مختلف دید که به شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت و نابرابری منجر می‌گردد. با شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت، پیشرفت و توسعه نیز قطبی شده و دوگانگی‌های جوامع افزایش پیدا

می‌کند و بی‌عدالتی فضایی به‌عنوان نتیجه قطعی فرآیند فوق شکل می‌گیرد. با نهادینه شدن بی‌عدالتی فضایی شکافهای جوامع پررنگ‌تر شده و فاصله‌های عینی و ذهنی ساکنین فضای جغرافیایی از هم بیشتر می‌شود، این امر منجر به افزایش نارضایتی‌ها و بالا رفتن پتانسیل اعتراض به وضعیت موجود شده و کشورها را با آناژشی فضایی روبه‌رو می‌سازد. وجود شکاف و نابرابری در توسعه همواره سبب ناخرسندی و ناآرامی و ناامنی است و چنین شرایطی نمی‌تواند موجب همبستگی ملی باشد. زیرا ساکنان نواحی جغرافیایی ناهمگن از تغییر وفاداری محلی و ناحیه‌ای به وفاداری ملی سودی نمی‌برند. بنابراین به دشواری حاضرند به چنین همبستگی ملی تن در دهند.

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که چهار استان جنوب کشور (خوزستان، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان) به لحاظ شاخص‌های آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی در مقایسه با میانگین امتیاز ملی در این شاخص‌ها امتیاز پایین‌تری دارند و تنها در شاخص‌های بهداشتی و کالبدی وضعیت این چهار استان اندکی بهتر از میانگین امتیاز ملی است. در مجموع، تجزیه و تحلیل شاخص‌های هشت‌گانه عدالت فضایی نشان داد که استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و به ویژه سیستان و بلوچستان به لحاظ عدالت فضایی به شدت دچار فقر و ناعدالتی فضایی می‌باشند. این بی‌عدالتی‌های فضایی موجب شده تا شهروندان این استان‌ها احساس طرد شدگی و شهروندی درجه ۲ داشته باشند، خود را از بدنه اصلی کشور جدا پنداشته و رفته رفته نارضایتی این شهروندان از وضعیت خود در کشور افزایش یابد. مهم‌ترین علت شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی در این استان‌ها، سهم اندک آن‌ها از قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... می‌باشد. استان‌های مذکور، در اهرم‌ها و ابزارهای قدرت به ویژه مشارکت سیاسی بهره‌اندکی برده‌اند. به این صورت که، طی چند دهه اخیر سهم این استان‌ها از ریاست جمهوری، کابینه وزرا و سایر مقامات دولتی و صاحب قدرت بسیار اندک و حتی صفر بوده است. همین مسئله باعث شده تا در تقسیم منابع کشور سهم کمتری نصیب این استان‌ها شود و رفته رفته در مقایسه با سایر استان‌های کشور دچار محرومیت و بی‌عدالتی فضایی شوند. بی‌عدالتی فضایی با ایجاد نارضایتی در شهروندان روحیه واگرایی در این استان‌ها را تقویت کرده است. به همین دلیل، شهروندان این مناطق به جای اشتیاق در جهت حفظ یکپارچگی و تقویت امنیت کشور، تمایل به کسب منفعت شخصی و منطقه‌ای خود دارند. این مسئله موجب شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌هایی نظیر واگرایی، تروریسم، قاچاق انواع کالا و مواد مخدر، تهدید یکپارچگی ملی و ... در این استان‌ها شده است. بنابراین، نرخ پایین مشارکت سیاسی در استان‌های جنوبی کشور در حاشیه ساحلی خلیج فارس و دریای عمان منجر به شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی در این استان‌ها شده و در نهایت به

- حشمتی جدید، مهدی؛ نقره‌ای، فرهاد و حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان (با تأکید بر گروه‌های قومی و مذهبی شهرستان سراوان)، *مجله سیاست دفاعی*، ۹۶(۲۴): ۱۸۲-۱۴۱.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۷۸)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، چاپ سوم. تهران: انتشارات گیتا شناسی.
- شکویی، حسین (۱۳۸۲)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد دوم: *فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی*، چاپ اول، تهران: انتشارات گیتا شناسی.
- قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۳)، *طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی در کشورها، نمونه موردی: ایران*، رساله دکتری، به راهنمایی: دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- لک زایی، شریف (۱۳۸۸)، *الگوی مشارکت سیاسی در نظریه‌های ولایت فقیه*. *مجله بازتاب اندیشه*، ۳۸: ۱۶۰-۱۳۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، *نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵*، چاپ اول. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، به نقل از: <http://www.amar.org>.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، *چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری سال ۱۳۹۵*، چاپ اول، تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*، چاپ اول، تهران: دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین الملل مرکز آمار ایران.
- معمار، رحمت الله (۱۳۹۱)، *طبقه‌بندی نظریات مشارکت سیاسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر. وزارت کشور. ۱۳۹۶.

- Gibbins, Roger & Eulau, Heinz & David, Paul. (2015), Election. *Journal of Britanica*. Vol: 3(14).
- Hafeznia, M & Ghaderi hayat, M. (2016), Conceptualization of Spatial Justice in Political Geography. *Geopolitics Quarterly*. Volume 11. No 4.
- Harvey, D. (1999), Considerations on the Environment of justice: Low, Nicholas, *The British Isles: Global Geographies*, Routledge.
- Hooghe, Marc & Quintelier, Ellen. (2013), Political Participation in European Countries, The Effect of Authoritarian Role, Corruption, Lack of Good Governance and Economic downturn. *Comparative European Politics*. Vol, 11.
- Krampen, Gunter. (2011), Political Participation in an Action-Theory Model of Personality: Theory and Empirical Evidence. *Political Psychology*, Vol. 12. No, 1.
- Mazur, E & Urbanek, J. (2014), Space in Geography. *Geo-Journal*. Volume 7. Issue 2. Pp, 139-143.
- Norris, Pippa. (2015), *Theories of Political Activism*. Published By Political Anstitute. New York.
- Zukin, Cliff. (2006), *Political Participation, Civic Life and the Changing American Citizen*. Published by Oxford University Press, Inc. New York.